

سیاست‌پژوهی در مدیریت کرونا ۱)

به‌ناچار بسیار زیاد بیماران، تمام تلاش کشور بین پزشکان و پرستاران و کادر درمانی بیمارستان‌ها با ویروس کرونا آغاز شد.در یک طرف کادری ایستاده بودند که به‌شدت غافلگیر شده بودند و بدون تجهیزات و آموزش لازم و تجربه و آرایش مناسب در مقابله با سوش ناشناس ویروس کرونا تلفات می‌دادند. این شرایط هیچ‌کجا قبلاً توسط این پزشکان و کادر درمان تجربه نشده بود و در آموزش‌هایشان نیز چنین درسی با این گستردگی فرا نگرفته بودند.تیم بهداشت تقریباً خانه‌نشین شده بود و شبکه‌های نظام سلامت که میراث گران‌بها ولی پیر و سال‌خورده نظام سلامت کشور بود، امکان هیچ واکنش سریعی را نداشتند. مضافاً اینکه در سال‌های اخیر با تغییر مدیریت‌های بی‌حساب زخم‌های عمیقی بر تن و چهره‌اش نشسته بود که امکان حرکت را از تن فروت او می‌گرفت.اما گروه درمان که در سال‌های گذشته دوره فربهی طرح تحول را گذرانده بود و امروزه یکباره با حمله کرونا مواجه شده بود خود را خواهی‌نخواهی در خاک‌ریز اول مقاومت یافت. حال انتظارت زیادی از او می‌رفت اما او هنوز در تأمین اولین مایحتاج خویش چون تجهیزات اولیه و شخصی کادر درمان برای مبارزه با ویروس عاجز مانده بود و ظاهرأ مصرف ۱۵ هزار میلیارد تومان و بدهی به‌جامانده در حدود همین رقم در همین چند سال گذشته نتوانسته بود امکاناتی برای چنین مواجهه‌ای فراهم کند و این بودجه مصرف‌شده اگر چه در کوتاه‌مدت موجب رضایت مردم شده و هتلینگ بیمارانستان‌ها را بهتر کرده بود، ولی میزان زیادی از آن از طریق سرمایه‌های جمعیمی به بخش‌های دیگر سرمایه منتقل شده بود. اما هر چه بود انتظار را بالا برده بود.ما هنوز از آنچه کادر درمان در ببحوجه همه‌گیری کرونا انجام داد یا می‌دهد و از میزان اثربخشی آن در سطح استراتژیک خبر جامعی نداریم اما در اینکه پزشکان و پرستاران و کادر درمان بیمارستان‌ها فدایان بزرگی انجام دادند و می‌دهند شکی وجود ندارد. آنچه به‌صورت واضح اتفاق افتاد این بود که کادر درمان سنگر اول تهاجم ویروس کرونا واقع شده است و بیشترین تلفات را نیز در این دفاع داده است.چیزی که با سابقه حداقل ۴۰ ساله شبکه بهداشتی کشور نباید اتفاق می‌افتاد و نظام بهداشتی کشور باید بتواند بعد از اعلام بیماری در دنیا، با کنترل و ثبت تمامی ورودی‌ها و خروجی‌های کشور از مبادی آلوده و قرنطینه نقاط آلوده و شناسایی شبکه ارتباطات افراد آلوده و کنترل آنها و سازماندهی مدیریت بحران شبکه سلامت کشور و تأمین منابع و تجهیزات مورد نیاز برای پیشگیری و در نهایت قنایع و کنترل زنجیره انتقال و آموزش ملی و بسیاری اقدامات دیگر، جایگاهی پیشینه در کاهش بار بیماری در کشور داشته باشد و پسینه‌بودن سیستم بهداشتی کشور قابلیت بررسی‌ای بی‌طرفانه بسیاری را دارد و آن چیزی است که بنا بر شواهد گذشته احتمال انجام آن در کشور ما کم است.درمجموع می‌توان گفت که یکی از دلایل مهم نقش پسمینی نظام بهداشتی کشور درحالی‌که اصولا باید نقش پیشینی و پیشگیری را به عهده داشته باشد به سال‌های بلندی برمی‌گشت که آرام‌آرام کشور بر موج و جریان نمایش می‌نشست و تقریباً بسیاری از حوزه‌های توسعه‌ای کشور گرفتار این جریان مخرب شده بودند.کشور تبدیل به ویترنی شده بود که در روی شیشه‌های آن شعارهای توسعه نوشته می‌شد اما در پشت مغازه متأسفانه بی‌نظمی و فساد و به‌هریرختگی و ناهماهنگی هر روز بیشتر می‌شد. نوعا مدیران نیز از کسانی انتخاب می‌شدند که بیشتر بتوانند با این شعارهای ویترنی هماهنگ باشند و مطابق سیستم نمایش عمل کنند و با آن سازگار باشند. نظام بهداشتی کشور هم از این قاعده مستثنا نبود و موجب تشدید ضعف بینشی و سیاست‌گذاری و عملیاتی‌انی آن شده بود که مهم‌ترین حلقه‌های زنجیر-آن یعنی معاون بهداشت و مرکز مدیریت بیماری‌های فروگاهیده آن به مبارزه با بیماری‌های واکیر شکننده‌ترین حلقه‌های آن بودند و دقیقاً در همین زمان با کرونا مواجه شده بود. البته خواسته یا ناخواسته نوعی تعمد در انتخاب‌نکردن شایسته‌ترین افراد برای معاونت بهداشت و بالطبع به واحدهای زیرمجموعه آن در دو دوره گذشته دیده می‌شود.از آنجا که قرار بود سهم بخش بهداشت و نظام پیشگیری کشور خرج مخارج طرح به اصلاح تحول سلامت در کشور، یعنی بخش پزشکی و درمان و پرداخت‌های نجومی این حوزه که تحت تأثیر سه‌گانه فهم و دانش ناقص از رویکردهای تحول مدرن در نظام سلامت، تضاد منافع تصمیم‌گیران و البته آشفتنگی وضعیت مراکز درمانی بود، شُود و فرد اول نظام بهداشتی کشور باید تابع و سلالت میماند، به همین دلیل امکان انتخاب فرد شایسته و مستقل و آگاه در حوزه نظر و عمل را مهیا نمی‌کرد.با همین زمینه‌چینی‌ها بود که در سال ۱۳۹۲ حدود نصف بودجه سالانه‌ای که برای پیاده‌سازی و گسترش شبکه بهداشت کشور تخصیص یافته بود، یعنی نصف دو هزار میلیارد که درمقایسه‌با منافع درمان سهم بسیار کوچکی محسوب می‌شد، در یک حرکت برای تأمین مخارج طرح پرخرح تحول از ردیف‌های بودجه‌ای بهداشت برداشته شد و به چاه ویل طرح تحول درمان‌گرا ریخته شد که موجبات استعفاي معاونت بهداشتی آن زمان و انتخاب فرد جایگزین همراه شد. مجموعه این نگاه و عمل موجب منوری‌کردن بخش بهداشت عمومی در کشور شد بود. در دوره بعدی نیز به‌خاطر توهم همه‌چیزدانی امکان اصلاح این رویه و تقویت نظام بهداشت عملی نشد و به‌جای آن سیستم دوگانه‌سوز با مشاوران راه‌اندازی شد. حال در چنین شرایطی ویروس کرونا و در غفلت کامل بخش بهداشت از راه رسیده بود.

انفجار مهیب غروب سه‌شنبه گذشته در بیروت، آخرین جلوه از فساد و ناامیدی بی‌پایان حاکم بر لبنان بود که چند نسل را به ستوه آورده است. اولیکارشی سیاسی لبنان مشابه بسیاری از کشورهای منطقه است؛ اما موضوعی که لبنان را از دیگر کشورهای خاورمیانه مستثنا می‌کند، حاکم‌بودن کلیتوکراسی بر این کشور است و به همین دلیل به نظر می‌رسد با وجود بی‌اقتصادی گسترده مردم، حکومت از همراهی و اتحاد عمومی مردم در لحظات بحرانی محروم است.

به گزارش وب‌سایت سی‌ان‌ان، دهه‌هاست که یک دستگاه عریض و طویل فساد در لبنان وجود دارد که بدون وقفه چرخه فساد را به حرکت درمی‌آورد. این وضعیت لبنان قبل از انفجار عجیب و هولناک هفته گذشته در بندر بیروت بود؛ اما اکنون با اتفاقی که رخ داده، عدم وفایق و اتحاد ملی در این کشور به اوج رسیده و سرمایه‌ای به نام اعتماد عمومی وجود ندارد و چشم‌انداز لبنان شبیه شهرهای آخرالزمانی شده است. شعاع انفجار به اندازه‌ای گسترده بود که فراتر از محدوده پایتخت لبنان رفت و جایی از بیروت نبود که از گرد و خشت و اضطراب این انفجار در امان باشد. با گذشت زمان نه‌تنها آرامش بر شهر حکمفرما نشد، بلکه ابعاد فاجعه انسانی و خسارت‌های هولناک آن نمایان‌تر و سؤالات و گمانه‌ها درباره این انفجار بیشتر شد.

چرا دوهارو ۷۵۰ تُن نیترات آمونیوم، یک ترکیب شیمیایی بالقوه آماده انفجار، به مدت شش سال در بندر بیروت و بدون درنظرگرفتن موارد احتیاطی و امنیتی انبار شده بود؟ چه کسی یا چه کسانی از انبارشدن این حجم از نیترات آمونیوم اطلاع داشتند؟ این فاجعه، جدیدترین و البته آشکارترین نشانه اختلال گسترده در عملکرد حکومتی است.دولت‌های متعدد در لبنان بر سر کار آمده‌اند، باین‌حال هیچ‌کدام نتوانسته‌اند اقدامی اساسی و ساختاری انجام دهند و به خواسته‌ها و مطالبات مردم توجه کنند. امروز

تبعات انفجار هفته گذشته بیروت همچنان ادامه دارد و بر اساس اعلام مقام‌های لبنانی، تعداد قربانیان این انفجار تا عصر روز گذشته به ۱۵۸ نفر رسید. همچنین گفته می‌شود در جریان درگیری‌های شبانه‌شب معترضان لبنان و پلیس در مقابل پارلمان نیز حداقل یک نیروی پلیس بیروت کشته شده است. باین‌حال، تبعات این انفجار فقط به تلفات انسانی ختم نمی‌شود؛ موج استغفاها در دولت لبنان ادامه دارد و مثال عبدالصمد، وزیر اطلاع‌رسانی و میناوس

از زمان روی‌کارآمدنش، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، با وسواس ارتباطاتش را انتخاب کرده است؛ ارتباطاتی که آمریکا را به متحدانش پیوند می‌د. اما در هفته اخیر با اعلام ناگهانی برنامه‌اش مبنی بر خروج ۱۲ هزار نظامی آمریکایی از آلمان، یکی از کارتهای خود را سوزاند. حضور این نیروها در شهرهای تاریخی آلمان در میان مزارع و جنگل‌های متراکم برای سه نسل تداعی‌کننده آن بود که صلح در اروپا تضمین شده است و بین دشمنان سابق تعهدی ناکسستی وجود دارد.

روابط واشنگتن با متحدانش سخت‌تر شده است و به‌ویژه اگر ترامپ بار دیگر به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا برگزیده شود، این روابط تا حدی نامشخص سقوط آزاد خواهند کرد. توییت او اگر به‌درستی تفسیر شود، به معنای مجازات آلمان است. او نوشته بود: «آلمان بابت انرژی به روسیه میلیارد‌ها دلار پرداخت می‌کند و ما قراقر است از آلمانی‌ها در مقابل روس‌ها محافظت کنیم؛ قضیه چیست؟». او این‌گونه ادامه داد: «همچنین آلمان در پرداخت دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود به ناتو تخلف می‌کند؛ پس ما نیز نیروهای خود را از آلمان خارج می‌کنیم». هرچند این نارتجک غیردیپلماتیک او در اواسط نیمه‌شب پرتاب شد، اما سال‌ها طول خواهد کشید تا مقامات رسمی برلین متقاعد شوند که به اتحاد نظامی آنها خدشه‌ای وارد نشده است. «نورت روتنگن»، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان آلمان، در پاسخ به ترامپ در توییتی نوشت به‌جای تقویت و تحکیم ناتو، به تضعیف این اتحاد پرداخته می‌شود. با این اقدامات، قدرت نظامی ایالات متحده افزایش نمی‌یابد، اما رابطه با روسیه، خاور دور و خاورمیانه روند کاهشی خواهد داشت. «مارکوس سوندن»، فرماندار ایالت «یاوارا» در آلمان نیز که چندین پایگاه آمریکایی در این ایالت مستقر است، در انتقاد از تصمیم ترامپ گفت: «بدبختانه در این اقدام که منجر به تخریب روابط

جهان

انفجار بیروت زخم‌های عمیق این کشور را باز کرد

روزگار تلخ «پاریس خاورمیانه»



Reuters

ابتدایی‌ترین خدمات عمومی در لبنان یا درگیر زده‌وند و فساد گسترده است یا مردم اعتمادی به آن ندارند. قطعی برق روزانه به امری عادی در این کشور تبدیل شده است؛ اما این قطعی فقط زندگی غیرثروتمندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ طبقه مرفه لبنان، ژئراتورهایی قوی دارند که برق را در تمام ساعات شبانه‌روز برای آنها مهیا می‌کند، درحالی‌که فقرا حدود ۲۰ ساعت در روز از قطعی برق رنج می‌برند.

وضعیت در ماه‌های اخیر در لبنان وخیم‌تر شده و بحران اقتصادی بی‌سابقه عملا این کشور را فلج کرده است. تقریباً یک‌سوم جمعیت کشور شغلی ندارند تا از طریق آن درآمدی کسب کنند. در چنین شرایطی، ارزش واحد پول لبنان به‌سرعت در حال سقوط است؛ به‌طوری‌که در کمتر از یک سال گذشته، حدود ۸۰ درصد از ارزش پول ملی لبنان کاسته شده است.

در سال ۲۰۱۶، دولت به‌قدری درگیر رقابت‌های سیاسی احزاب و جریان‌ها شد که جمع‌آوری زباله‌ها در بخش وسیعی از بیروت متوقف و رودخانه‌ای

استعفای دومینووار در لبنان

قطار، وزیر محیط زیست لبنان نیز پس از وزیر خارجه این کشور از سمت‌های خود استعفا دادند و تعداد نمایندگان مستعفی پارلمان هم به شش نفر رسید. در همین حال، همان‌طور که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، در سفر به بیروت وعده داده بود، کنفرانس بین‌المللی با هدف کمک به لبنان روز گذشته در بیروت برگزار شد. هیئت‌هایی از کشورهای عربی و غیرعربی روز گذشته به‌منظور شرکت در این کنفرانس وارد بیروت شدند. در این کنفرانس که

آخرین هدیه ترامپ به پوتین

بین آلمان و آمریکا می‌شود، نه‌تنها هیچ‌گونه جنبه مثبت نظامی‌ای دیده نمی‌شود، بلکه تضعیف ناتو و خود ایالات متحده آمریکاست». این تصمیم ترامپ تا حدی تعجب کاخ کرملین را نیز به‌دنبال داشت؛ به‌طوری‌که «دیمتری پسکوف»، سخنگوی کاخ کرملین، دراین‌باره به سی‌ان‌ان گفت: «ما هرگز این موضوع را پنهان نکردیم که (فکر می‌کنیم) هرچه سربازان کمتر آمریکایی در قاره اروپا باشند، اروپای آرام‌تری وجود خواهد داشت». بنابراین تصمیم اخیر-ترامپ برای کرملین یک هدیه است؛ پیش‌بینی‌پذیرنبودن او هرچند اغلب دردناک است، اما برای آنان اهمیت تبلیغاتی خوبی به‌شمار می‌رود. در حقیقت آنچه در دهه‌های قبل و از سوی «فرانکلین روزولت»، سی‌ودومین رئیس‌جمهوری آمریکا، پس از جنگ جهانی دوم مبتنی بر منافع مشترک به وجود آمده بود، اکنون با کشیدن ماشه خروج نظامیان آمریکایی از سوی چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا که تقریباً چهار سال مخرب را در کاخ سفید داشته، در نقطه پایانی است. روزولت و دیگر رهبران هم‌نسل او، با تخریب اتحاد بین‌قدرت‌های بزرگ و وجود مردان شیطانی در قدرت، شاهد بدترین روزهای تاریخ بودند و ترامپ با وجود اینکه نادان نیست، تصمیم گرفته است که این موضوع را آشکارا نادیده بگیرد. واقعیت این است که ترامپ از همان ابتدا «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان را گوش‌مالی داده است؛ در نخستین دیدارشان در بهار سال ۲۰۱۷ میلادی در کاخ سفید، فقط به چشمان مرکل زل زد و از دست‌دادن با او خودداری کرد؛ پس از آن در نشست ۲۰۱۸ میلادی بر سر میز صحنه با او برخوردی سرد داشت و اکنون نیز نوبت به خروج نظامیان آمریکایی از آلمان رسیده است. خروج نظامیان آمریکایی از آلمان و پرکردن این خلا برای اروپایی‌ها دشوار خواهد بود؛ چراکه کاری ساده نیست. تا چندی پیش رهبران کشورهای اروپایی برای رسیدن به توافقی بر سر بودجه کووید۱۹ با مشکل مواجه بودند، اکنون نیز به نظر می‌رسد برای ناتو و دیگر متحدان آمریکا دشوار است که ترامپ را از تصمیمات ناگهانی‌اش دور کنند. او به همراه مشاورانش مصمم است تا این نیروها را از آلمان خارج کند. «مارک اسپر»، وزیر دفاع

دست به دست هم داده‌اند تا وضعیت لبنان به‌سرعت به اوضاع بحرانی و فلاکت‌بار امروز برسد. در ادامه گزارش سی‌ان‌اامده است: نادیده گرفته‌شدن مردم، کاسه صبر آنها را لبریز کرد و در نهایت در اکتبر ۲۰۱۹، معترضان به خیابان‌ها آمدند. در برخی روزها تعداد معترضان به یک میلیون نفر می‌رسید. خواسته مشترک آنها مشخص و واضح بود؛ تمام طبقات و جریان‌های حاکم بر لبنان کنار بروند تا فساد از این کشور رخت ببندد. از اکتبر سال گذشته تا امروز که حدود ۱۰ ماه می‌گذرد، چه چیزی در لبنان تغییر کرده است؟ به جرئت می‌توان گفت هیچ چیز. چند چهره سیاسی قدرت را ترک کرده‌اند و چهره‌هایی دیگر جای آنها را گرفته‌اند؛ اما سیستم فنودالی شکننده که با وجود فساد گسترده، توانی برای خدمت به کشور ندارد و با وضعیت بحرانی موجود نفع می‌برد، همچنان سر جای خود باقی مانده است.

جنگ داخلی لبنان حدود ۳۰ سال پیش به پایان رسید؛ اما این کشور بدترین روزهای خود را سپری می‌کند و هیچ امید به آینده وجود ندارد. بیروت، شهری که زمانی «پاریس خاورمیانه» نامیده می‌شد و میان دریای فیروزه‌ای مدیترانه و تپه‌های حیرت‌انگیز قرار داشت، زخمی عمیق برداشته و به ویرانه‌ای وسیع تبدیل شده است. شانه بالانداختن و تصور اینکه با وجود دستگاه اختلاس و فساد عظیم حکومت لبنان نمی‌توان کاری از پیش برد، راحت‌ترین واکنش ممکن است؛ اما با وجود تمام این واقعیت‌ها، درباره لبنان باید گفت انفجار هفته گذشته اجتناب‌ناپذیر نبود؛ همان‌طور که بحران اقتصادی، قطعی برق و فقدان خدمات عمومی اولیه هم اجتناب‌ناپذیر نبود.

در میان طیف‌های سیاسی حاکم بر لبنان، یک ایدئولوژی صدایی قدرتمندتر دارد؛ چه چیزی نصیب من خواهد شد؟ اما سؤال اساسی این است که چه چیزی نصیب مردم لبنان می‌شود؟ هیچ چیز جز ناامیدی و استیصال.

به تحقیق درباره انفجار بندر بیروت هستند و آنچه در این بندر رخ داد، ۹۰ درصد واضح و روشن است و نیاز به تلاش فوق‌العاده ندارد. بنابراین ما می‌خواهیم هیچ قدرتی موضوع را سیاسی نکرده و از آن برای اهداف سیاسی سوءاستفاده نکند». الکساندر زاسپکین تأکید کرد وجود سلاح‌های حزب‌الله در بندر بیروت صحت ندارد و از آمریکا خواست شروط غیرقابل تحقق خود برای حزب‌الله لبنان و سلاح‌های این جریان را کنار بگذارد.

آمریکا نیز چندی‌پیش سخنان رئیس‌جمهوری این کشور را تکرار کرد و گفت آلمان ثروتمندترین کشور اروپاست؛ آلمان می‌تواند و باید برای دفاع از خودش هزینه‌ای بیشتر بپردازد.

در کنگره ایالات متحده شمار زیادی از جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در برابر خروج نظامیان آمریکایی مقاومت می‌کنند؛ علت این است که این کار می‌تواند ناتو را تضعیف کند و دست‌بالا را در اختیار روسیه قرار دهد. بنابراین برنامه‌های در مجلس سنا و مجلس نمایندگان برای جلوگیری از این خروج از طریق قانون بودجه نظامی وجود دارد. باین‌حال همه چیز به اینجا ختم نمی‌شود؛ ترامپ در حقیقت به‌دنبال دوستیانی است که بتواند تحریم‌ها علیه چین و ایران را جامع‌تر اجرانی کند و اروپا در آن سو در جست‌وجوی رابطی است که امنیت ملی و منافع تجاری‌اش را تضمین کند و گاهی تمام سیاست‌های آنان مطابق با خواسته واشنگتن پیش نمی‌رود. بنابراین با این اقدام، ترامپ هم‌زمان هم «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه را که همچنان دشمنی استراتژیک برای اروپایی‌ها به‌شمار می‌رود، تقویت می‌کند و هم متحدان آمریکا را در اروپا تضعیف کرده است تا شاید بتواند آنان را ملزم به اجرای سیاست‌هایش کند و این شرایط زمانی بحرانی‌تر می‌شود که رئیس‌جمهوری ایالات متحده اصرار دارد طبق قوانین خودش بازی کند، نه نظم کنونی روابط بین‌الملل.

اگر همه‌گیری بیماری کووید۱۹ که به نظر می‌رسد در ماه‌های پایانی ریاست‌جمهوری ترامپ به اوج خود رسیده، به ترامپ بیاموزد در برخی اوقات همکاری پیامدهای مثبتی دارد، شاید او از تصمیم خود برای خروج ۱۲ هزار نیروی آمریکایی منصرف شود یا اینکه رئیس‌جمهوری جدید که در ماه نوامبر انتخاب می‌شود، زمان و قدرت کافی را خواهد داشت تا خلا‌های به‌وجودآمده از سوی ترامپ را پر کند. اما تحقق چنین امری آسان نیست؛ چراکه هنوز نمی‌توان با قاطعیت گفت اعتماد به ترامپ به‌طورکلی از بین رفته است و شرایط به‌قدری پیچیده شده که هر نوع حدس و گمانی را غیرممکن می‌کند.

سفر نادر یک عضو ارشد دولت آمریکا به تاپوان

● الکس ایزار، وزیر بهداشت و خدمات انسانی آمریکا، در رأس هیئتی از تاپوان دیدار می‌کند. در ۴۰ سال گذشته؛ یعنی از آغاز روابط دیپلماتیک آمریکا با جمهوری خلق چین، این سفر ایزار رخدادی بسیار نادر به شمار می‌رود. الکس ایزار (عازار) خود در حساب کاربری‌اش در توییتر نوشته این سفر از یک سو بیانگر «حمایت رئیس‌جمهوری آمریکا از رهبری بین‌المللی (تاپوان) در عرصه درمانی» است و از سوی دیگر تأکیدی بر این موضوع که «جوامع آزاد و دموکراتیک بهترین نمونه برای حفظ و اشاعه سلامت هستند».

سفر یک مقام آمریکایی در این سطح البته با انتقاد و اعتراض جمهوری خلق چین روبه‌رو شده که تاپوان را «استان سرکش» خود می‌داند و به هر تلاشی برای پذیرفتن استقلال آن واکنش نشان می‌دهد. وزارت خارجه چین در واکنش اولیه به این سفر گفته هر اقدامی برای انکار یا به‌چالش‌کشیدن اصل «چین واحد» که تاپوان را بخشی از قلمرو جمهوری خلق می‌داند، شکست خواهد خورد.

البته شماری از ناظران بر این عقیده هستند که واکنش‌های بیشتر یکن، به نتایج این سفر و سخنان با اظهارات احتمالی وزیر دونالد ترامپ بستگی خواهد داشت. دولت آمریکا تأکید کرده سفر الکس ایزار با هدف «تقویت شراکت میان ایالات متحده و تاپوان و افزایش همکاری‌ها بین دو کشور در زمینه نبرد جهانی با همه‌گیری کووید۱۹» صورت می‌گیرد.

تاپوان، هرچند به دلیل مخالفت و مقاومت چین عضوی از سازمان بهداشت جهانی نیست و بیشتر به خود متکی است؛ اما کارنامه بسیار موفق‌ی در زمینه مقابله با همه‌گیری داشته است. تاکنون کمتر از ۵۰۰ مورد تأییدشده و هفت قربانی در این کشور به ثبت رسیده و تقریباً اکثر مراکز آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و عمومی نیز به فعالیت‌های رایج خود مشغول هستند. سفر ایزار همچنین در بازه‌ای از زمان انجام می‌شود که تنش‌ها بین واشنگتن و پکن افزایش یافته است؛ ازجمله در پی انتقادهای شدید ترامپ و دولت او از عملکرد چین در روند همه‌گیری و اتهام‌ها درباره پنهان‌کاری در ارائه اخبار و وقایع در ووهان که پکن آنها را رد می‌کند.

با بهبود روابط آمریکا و جمهوری خلق چین، در سال ۱۹۷۹ ایالات متحده رسماً حکومت جمهوری خلق را پذیرفت و روابط دیپلماتیک با تاپوان پایان یافت. از آن زمان تقریباً اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان روابط دیپلماتیک با تاپوان را متوقف کردند و نیز جمهوری خلق چین صاحب کرسی نمایندگی نزد سازمان ملل شد. هم‌زمان با سفر ایزار، نخست‌وزیر پیشین ژاپن، یوشیرو موری، نیز از تاپوان دیدار می‌کند. رسانه‌های ژاپنی به نقل از شماری از مقام‌ها گفته‌اند هرچند موری قرار نیست به‌عنوان نماینده رسمی توکیو عمل کند؛ اما «به شکل مؤثری نقش یک نماینده را برای نخست‌وزیر شینزو آبه، ایفا خواهد کرد».

ادامه از صفحه ۴

رهنمودهایی برای خودروسازان بزرگ

در این روش مؤسسه مالی پول عرضه‌کننده را فورا می‌پردازد و یک نرخ ترزیرل در ابتدای قرارداد محاسبه می‌کند و خریدار در زمان‌بندی مورد نظر مؤسسه مالی مطالبات وام‌دهنده را پرداخت می‌کند. این روش شکل‌های مختلفی دارد ولی به‌رحال مهم‌ترین برتری آن افزایش اعتبار و درجه اعتباری و استفاده از بهترین نرخ تأمین مالی برای کسب‌وکارهای کوچک است. زیرا در این مدل خریدار (شرکت بزرگ مثلا خودروسازان) است که نرخ ترجیحی در نظر را به بانک یا مؤسسه اعتباری طرف همکاری خود ارائه و از مزیت‌های خود نزد آن مؤسسه بهره کمتری را برای وام قطعه‌ساز ردیف می‌کند. شرکت‌های بزرگی مثل زمیس در آمریکا و شمالی و P&G از این روش در بحران ۲۰۰۸ استفاده کرده و اکنون در باندمی کووید۱۹ نیز آن را توسعه داده‌اند. در اینجا استراتژی‌های تأمین مالی دیگری هم وجود دارد که شرکت‌های بزرگ می‌توانند تأمین‌کنندگان و شرکت‌های کوچک و متوسط موجود در زنجیره تأمین را حمایت کنند.

باید عمل کنید و دست‌نگذارید

امروز روز تقلا برای زنده‌ماندن است. نه‌تنها انسان‌ها بلکه شرکت‌ها. شرکت‌های کوچک و متوسط و کسب‌وکارهای خرد به‌شدت در تقلا برای بقا هستند. شاید به‌جای اول برگردند و عملیات را دوباره همان‌طور که بوده انجام دهند. تنها راه ادامه حیات کسب‌وکارها وجود نقدینگی در کل زنجیره است نه بخشی از آن. اگر شرکت‌های بزرگ بتوانند این روش‌ها را در سطح زنجیره به کار گیرند، به یک انعطاف‌پذیری تاریخی دست خواهند یافت که منجر به بقای همه سازندگان و SMEهای آنان خواهد شد و عبور از این بحران مالی که ناشی از پاندمی است، راحت‌تر خواهد بود.